



شماره ثبت: ۲۵۶۳

بسم الله الرحمن الرحيم فهرست مطالب

۲	وجوب رد غیبت
۲	نکته‌ای پیرامون روایت دوم
۲	روایت چهارم:
۳	بررسی روایت از لحاظ سند
۳	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۳	شبهه‌ی موجود در روایت:
۳	جواب شبهه
۴	نتیجه‌گیری
۴	روایت پنجم:
۴	بررسی روایت از لحاظ سند
۴	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۵	روایت ششم:
۵	بررسی روایت از لحاظ سند
۵	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۵	روایت هفتم:
۶	بررسی روایت از لحاظ سند
۶	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۶	روایت هشتم:
۶	بررسی روایت از لحاظ سند
۷	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۷	روایت نهم:
۷	بررسی روایت از لحاظ سند
۸	بررسی روایت از لحاظ دلالت



وجوب رد غیبت

مبحث بیست و سوم در ذیل موارد غیبت، حرمت عدم رد غیبت یا وجوب رد غیبت است.

نکته‌ای پیرامون روایت دوم

در روایت دومی که دیروز بحث کردیم یک نکته‌ای وجود دارد:

«وَفِي ثَوَابِ الْأَعْمَالِ وَفِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي الْوَرْدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَنْ اغْتَيْبَ عَنْهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فَتَصَرَّهَ وَأَعَانَهُ نَصَرَهُ اللَّهُ وَأَعَانَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ لَمْ يَنْصُرْهُ وَلَمْ يُعِنْهُ وَلَمْ يَدْفَعْ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ وَعَوْنِهِ إِلَّا خَفَضَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»^۱

یک تصحیفی در این روایت وجود دارد. یا «الَّا» اضافه شده است. یا اینکه چیزی قبل حذف شده است. این روایت یا سقطی دارد یا اینکه اضافه‌ای دارد. این جمله از نظر ادبی تام نیست.

روایت چهارم:

«وَعَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُعِينُ مُؤْمِنًا مَظْلُومًا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ - وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَنْصُرُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا نَصَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»^۲

این روایت عون مظلوم است. این روایت نیز نظیر روایت دوم است. هم بیان ثواب وجود دارد و هم بیان عقاب دارد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۹۱.

۲- همان، ص ۲۹۲.



شماره ثبت: ۲۵۶۳

بررسی روایت از لحاظ سند

سند این روایت معتبر است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

به لحاظ دلالت نکاتی وجود دارد:

۱. هر دو طرف ثواب و عقاب در این روایت وجود دارد.

۲. این روایت اختصاص به بحث غیبت ندارد. مطلق است. یکی از عدم نصرت‌ها و خذلان نسبت به برادر مؤمن این است که وقتی غیبت او را می‌شنود، رد نکند.

این روایت دلالت خوبی دارد. اولین روایتی است که الزام را می‌توانیم استفاده کنیم. البته این نصرت مظلوم است و خصوص غیبت نیست.

شبهه‌ی موجود در روایت:

در این روایت «يُخْذَلُ أَخَاهُ» وجود دارد. این جمله بار بیشتری از نصرت دارد. این اخص از «لم یرد» است. مطلق عدم دفاع، خذلان نیست. باید قرینه‌هایی موجود باشد تا بر عدم دفاع این جمله را استوار کنیم.

وقتی شخص غیبت را می‌شنود سه حالت دارد:

الف) از فرد غایب دفاع می‌کند.

ب) حرفی نمی‌زند و عادی از آن عبور می‌کند.

ج) یک‌جوری این حرف را تحویل می‌گیرد، گویا با این بحث همدلی کرده است. گویا با خذلان غایب شریک است.

از این مباحث متوجه می‌شویم که دلیل اخص از مدعا است. در نتیجه از این روایت وجوب رد استفاده نمی‌شود.

جواب شبهه



شماره ثبت: ۲۵۶۳

جمله حالیه که بعد از «يُخَذَّلُ أَخَاهُ» آمده است قرینه می‌شود که مقصود «لم ينصره» است. یا اینکه کسی بگوید اصولاً در تمام جاهایی که انسان شأنیت دفاع دارد، نوعی تعبیر به خذلان می‌شود. لغت نیز به معنای لم ينصره است. در روایات دیگر نیز کاربرد لم ينصره دارد.

نتیجه‌گیری

اما با تمام این شبهات و جواب شبهات به نظر می‌رسد که خذله فراتر لم ينصر است. حتی اگر بگوییم در لغت نیز به یک معنا آمده است، ولی به دلیل تبادل‌مان، نمی‌توانیم قبول کنیم.

روایت پنجم:

«و فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ بِإِسْنَادٍ تَقَدَّمَ فِي عِيَادَةِ الْمَرِيضِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةٍ لَهُ وَ مَنْ رَدَّ عَنْ أَخِيهِ غِيْبَةً سَمِعَهَا فِي مَجْلِسٍ رَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَإِنْ لَمْ يَرُدَّ عَنْهُ وَ أَعْجَبَهُ كَانَ عَلَيْهِ كَوْزِرٌ مِّنْ اغْتَابٍ.»^۱

حضرت در خطبه‌ای می‌فرمایند: کسی که رد غیبت کند، هزار بدی را از او دفع می‌کند. اگر رد نکند، و خوششم بیاید، مثل گناه غیبت کننده است.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت از لحاظ سند ضعیف است. در این نوع سند، راویان ضعیفی وجود دارد.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

نکاتی در دلالت این روایت وجود دارد:

۱. هر دو طرف ثواب و عقاب را دارد.



شماره ثبت: ۲۵۶۳

۲. در اینجا جمله دوم، دلالت بر حرمت دارد. صریحاً می‌گوید که عدم رد، غیبت است.

۳. در اینجا صرف عدم رد نیست و خوش آمدن نیز وجود دارد. این ترکیبی است. بنابراین این روایت نیز اخص از مدعا است.

۴. این در خصوص غیبت است.

روایت ششم:

«الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيّ فِي مَجَالِسِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ رَدَّ عَنْ عَرِضِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ كُتِبَ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ وَ مَنْ أَتَى إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ فَلْيُكَافِئْ فَإِنْ عَجَزَ فَلْيُثْنِ بِهِ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ كَفَرَ النِّعْمَةَ.»^۱

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت دارای ایراداتی است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

این روایت فقط رجحان را می‌رساند.

نکته دیگر این است این روایت اعم از باب غیبت است.

روایت هفتم:

«و عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَضْرَمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْأَحْمَسِيِّ عَنِ الْمُحَارَبِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي لَيْلَى عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ عَنِ ابْنِ أَبِي الدَّرْدَاءِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: نَالَ رَجُلٌ

۱- همان، ص ۲۹۳.



شماره ثبت: ۲۵۶۳

مِنْ عَرَضَ رَجُلٍ عِنْدَ النَّبِيِّ ص - فَرَدَّ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ عَلَيْهِ فَقَالَ النَّبِيُّ ص - مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ كَانَ لَهُ حِجَابًا مِنَ النَّارِ.^۱

در محضر پیغمبر اکرم (ص) کسی متعرض آبروی کس دیگری شد. شخص دیگری از فرد غایب دفاع کرد.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت از لحاظ سند اشکالات متعددی دارد.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت نکاتی وجود دارد:

۱. این روایت فقط جنبه‌ی ثواب را بیان کرده است.

۲. روایت دو احتمال دارد. اگر این کار را نکند، حجاب ندارد و اگر بکند، دچار عذاب می‌شود. اما احتمال دوم این است که منع از آتش نمی‌کند. بین این دو احتمال تردیدی وجود دارد در نتیجه به آن استدلال نمی‌کنیم.

روایت هشتم:

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِي الْمَجَالِسِ وَ الْأَخْبَارِ يَأْتِيهِ عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ ص فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ ذَبَّ عَنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ الْغَيْبَةِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْتِقَهُ مِنَ النَّارِ يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ اغْتَيْبَ عَنْهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ وَ هُوَ يَسْتَطِيعُ نَصْرَهُ فَنَصَرَهُ نَصَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ إِنْ خَذَلَهُ وَ هُوَ يَسْتَطِيعُ نَصْرَهُ خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.»^۲

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت نیز سند معتبری ندارد.

۱- همان.

۲- همان.



بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این دلالت نکاتی وجود دارد.

۱. روایت مخصوص باب غیبت است.

۲. در دو جنبه اثباتی و سلبی است.

۳. در اینجا نیز «خذله» دارد. ما بعید می‌دانیم که مطلق «لم یرد» باشد.

روایت نهم

این روایت در باب ۱۵۲ است. و روایت ۱۳ است.

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَقْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ ع فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَهَى عَنِ الْغَيْبَةِ وَالْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهَا وَنَهَى عَنِ النَّمِيمَةِ وَالْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهَا وَقَالَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَاتٌ يَعْنِي تَمَامًا وَنَهَى عَنِ الْمُحَادَثَةِ الَّتِي تَدْعُو إِلَى غَيْرِ اللَّهِ وَنَهَى عَنِ الْغَيْبَةِ وَقَالَ مَنِ اغْتَابَ امْرَأً مُسْلِمًا بَطَلَ صَوْمُهُ وَنُقِضَ وَضُوءُهُ وَجَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفُوحُ مِنْ فِيهِ رَائِحَةُ أَنْتْنٍ مِنَ الْجِيفَةِ يَتَأَذَّى بِهِ أَهْلُ الْمَوْقِفِ وَإِنْ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَتُوبَ مَاتَ مُسْتَحِلًّا لِمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَلَا وَ مَنْ تَطَوَّلَ عَلَى أَخِيهِ فِي غَيْبَةٍ سَمِعَهَا فِيهِ فِي مَجْلِسٍ فَرَدَّهَا عَنْهُ رَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَرُدَّهَا وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى رَدِّهَا كَانَ عَلَيْهِ كَوْرٌ مَنِ اغْتَابَهُ سَبْعِينَ مَرَّةً.»^۱

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت ضعیف است. شعیب بن واقع توثیق خاص و عام ندارد. تبدیل سند نیز راهی ندارد.



شماره ثبت: ۲۵۶۳

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت نکاتی وجود دارد:

۱. در این روایت دو جنبه اثبات و سلب وجود دارد.
 ۲. الزام از این روایت قابل استفاده است.
 ۳. منطبق بر بحث ما است.
 ۴. بعضی گفته‌اند به خاطر «سبعین مرة» این روایت قابل قبول نیست. آقای سبحانی این نظر را دارند.
- «سبعین مرة» موجب نمی‌شود که بگوییم روایت درست نیست. این روایت یک نوع مبالغه می‌کند. در این روایت همبستگی بر دیگران را تأکید می‌کند.